روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

شنبه • ۱۱ مهر ۱۳۹۴ • ۱۹ ذی‌الحجه ۱۴۳۶ • ۳ اکتبر ۲۰۱۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۱۲ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۳ • اذان مغرب ۱۸:۰۴ • اذان صبح‌فردا ۴:۳۸ • طلوع آفتاب ۶:۰۱

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

آچارکشی

پناهندگی جگری یا جگرپناهندگی

• **پوریا عالمی:** ما تا دیروز با همه‌چیز کنار آمده بودیم و صدامان درنمی‌آمد. فقط هم به شوق جگر و پاچه و خوردن بناگوش. اما حالا چی؟ تورم بالاوپایین شد هیچی نگفتیم. تحریم سفت‌وشل شد هیچی نگفتیم. آلودگی هوا شد هیچی نگفتیم. پول با تربلی بردند هیچی نگفتیم. معاون اول آقای احمدی‌نژاد به‌دلیل پرونده اقتصادی رفت زندان هیچی نگفتیم. دکل نفت گم شد هیچی نگفتیم. زمین اول گران شد، بعد خورده شد، بعد غیب شد هیچی نگفتیم. خودروها این‌طوری شد ما خائن شدیم هیچی نگفتیم. هواپیما سقوط کرد هیچی نگفتیم. یک توفان آمد چهار نفر را باد برد، یک سیل آمد ۲۰نفر را آب برد، یک زلزله آمد صدنفر را خاک خورد هیچی نگفتیم. یعنی درکل ما هیچی نمی‌گوییم و مردم هیچی‌نگویی هستیم. اما به شوق چی؟ تنها انگیزه ما همین جگر بود. همین پاچه و بناگوش‌خوردن. یعنی تنها چیزی که برایمان مانده، تنها دلخوشی‌مان، همین‌ها بود؛ جگر. تا اینکه، دادستان شاهرود، گفت: ۱۳۷ کیلوگرم تریاک و ۱۰ کیلوگرم شیره تریاک کشف کرده. که این چیز عجیب و جدیدی نیست و ما هیچی نگفتیم. اما همین مقام مسئول پرده از مهم‌ترین جنایت قرن برداشته است. وی گفت: «فردی در شاهرود چهارونیم تن کله، پاچه، دل و جگر در خانه‌اش نگه داشته بوده تا در زمستان بفروشد». این مقام مسئول گفت: «همه این چهارونیم تن جگر و پاچه فاسد شده است». این بحرانی غیرقابل‌باور است. ما دیگر نمی‌توانیم هیچی نگوییم. یعنی آدم دیگر به جگرها هم نمی‌تواند اعتماد کند؟ یک پاچه می‌خواهد بخورد باید هزارجور ترس مریضی و فساد برش دارد؟ یعنی اگر الان پای جگرهای شاهرود به تهران و شهرهای دیگر باز شده باشد تکلیف چیست؟ یعنی آدم الان می‌رود کله‌پاچه‌ای، اول باید سر صحبت را باز کنی و کم‌کم از زیر زبان کله‌پز بکشی بیرون که در یک ماه اخیر به کجا برای خرید سفر کرده است؟ واقعا چی ماند برای آدم؟ برای ما همین جگر، کله و پاچه مانده بود که دیگر به همان هم نمی‌شود اعتماد کرد. این تنها باری است که من دارم به مهاجرت فکر می‌کنم. اروپا درگیر مهاجرت است و بعید نیست انتشار خبر چهارونیم‌تن جگر و دل فاسد، جگر خیلی از ایرانیان را بسوزاند و دلزده‌شان کند. بعد هم ما می‌رویم تقاضای پناهندگی می‌دهیم. طرف می‌پرسد چه جگری داشتی غیرقانونی از مرز خارج شدی. ما می‌گوییم نه قربانت بشوم جگر نداشتیم که از مرز خارج شدیم. جگرها فاسد بود.

کارتون خواب



محمدرضا ثقفی



گزارش فردا

تهران‌گردی زیر سایه حج ناتمام و غدیر

شرق: عید غدیر امسال همراه با عزای درگذشت ۴۶۴نفر از هم‌وطنانمان که به زیارت خانه خدا رفته بودند همراه شد و تهران‌گردی «احمد مسجدجامعی» و همراهانش تلفیقی از این دو رویداد بود. آنان در اولین ایستگاه به سراغ انتشارات «دلیل ما» رفتند که تاکنون بیش از ۶۲ کتاب در زمینه غدیر منتشر کرده است و گزارش لحظه‌به‌لحظه اتفاقات غدیر اثری است که یک میلیون تیراژ داشته است. بیش از یک‌هزار کتاب در زمینه غدیر منتشر شده که بیشتر آثار به زبان فارسی در شهرهای تهران و قم منتشر شده‌اند. نام «علی موسوی‌گرمارودی» در کنار اشعار مذهبی شناخته شده اما شاید کمتر کسی به‌یاد بیاورد او اولین کسی است که جایزه‌ای به دلیل به‌کاربردن مفاهیم دینی در شعر سپید دریافت کرده و اولین‌بار شعر مشهورش «سایه‌سار نخل ولایت» را در سال ۵۵ در انجمن گوته در یکی از نشست‌های کانون نویسندگان در مدح حضرت علی (ع) خواند؛ در نشستی که سعید سلطان‌پور و سیاوش کسرایی نیز حضور داشتند. گرمارودی، بخشی از فعالیت شش‌سال گذشته‌اش را به ترجمه «نهج‌البلاغه» اختصاص داده که با ساختار جدیدی همراه با حاشیه‌های علمی چاپ خواهد شد. دیدار با «سیدمحمد فدوی»، رئیس پردیس هنرهای زیبا که در زمان «حج خونین» با مرحوم گل‌آقا بولتن زائران ایرانی را منتشر می‌کردند و اثری تاثیرگذار از این رویداد را روی جلد آن منتشر کردند و اکنون با توجه به فاجعه منا آن را کامل کرده، از دیگر بخش‌های این تهران‌گردی بود. این هنرمند در آثار دیگرش از زندگی حضرت‌زهرا(س)، حضرت‌علی(ع) و سوره‌های قرآنی نیز الهام گرفته است. حجت‌الله شکیبا، نیز با آثارش همواره مورد توجه عموم بوده است. او این‌بار تصویرگری جدید از امیرالمؤمنین را خلق کرده بود؛ اثری که فضایی متفاوت با رنگ‌هایی شادتر و روشن‌تر داشت و فضای آسمان و زمین به شکل ویژه‌ای پر شده بود و در یک تمثیل دیگر حاجیان به پروانه‌ای تشبیه شده بودند. ایشان همچنین مجموعه آثاری با الهام از داستان‌های مولانا و شمس خلق کردند. دیدار با شکیبا به دلیل هم‌زمانی با روزهای شمس و مولانا در اواخر هفته گذشته جالب بود. شکیبا علاوه برآنکه داستان‌هایی نظیر «آتش در نیستان» و «بشنو از نی» را نقاشی کرده است، تابلویی هم از رویارویی شمس و مولانا خلق کرده. با توجه به اتفاقات دردناک رخ‌داده در منا و درحالی‌که هنوز پیکرهای جان‌باختگان منا به‌طورکامل بازنگشته‌اند، بخش‌هایی از تهران‌گردی به این مصیبت عظیم اختصاص داشت. در روز جمعه با حضور احمد مسجدجامعی، نگارخانه گل یاس در اداره وزارت ارشاد استان تهران در خیابان مطهری افتتاح شد که در آن ۱۸ اثر گرافیکی با عنوان «حج ناتمام» به مناسبت قربانی‌شدن حجاج در منا به نمایش درآمده است که برای برپایی این نمایشگاه مرکز تجسمی حوزه هنری همکاری زیادی داشته است. در بخش دیگر این برنامه هم دیدار با خانواده یکی از حجاج درگذشته هم قرار داشت؛ مردی که همواره دعا می‌کرد که مرگی باعزت داشته باشد و همسرش که همراهش در سفر حج بود، از خاطرات تلخ نحوه برخورد با آنان در عربستان می‌گفت. دیدار از مرکز تحقیقات امام‌علی (ع) با پنج هزار کتاب تخصصی بخش دیگر این برنامه بود. قرار است دانش‌نامه جدید حضرت امام علی(ع) با هزار مدخل و پنج‌هزار صفحه تألیف شود و به پیشنهاد جمع تهران‌گردان قرار است مدخل‌هالی هنری نیز در آن گنجانده شود. دیدار با آیت‌الله نقوی که تفسیر کامل قرآن و شرح کامل نهج‌البلاغه را نگاشته‌اند نیز دیگر بخش تهران‌گردی هم‌زمان با عید غدیر بود. استاد احمد شهودی، از استادان سبک قهوه‌خانه‌ای، نیز در آخرین ساعت‌های عید میزبان گروه تهران‌گردان بود.

پشت جلد

نیاز سالمند یا نگاه چپ‌چپ اطرافیان!

کریم ارغنده‌پور: پنجشنبه روز سالمند بود. وضعیت سالمندان در جامعه ما از زوایای گوناگون نیازمند توجه بیشتر است. آنها از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه هستند. فرهنگ ما به احترام آنها به‌ویژه پدر و مادر تاکید دارد. ولی همین ویژگی‌ها گاه برساخته‌هایی در جامعه ایجاد کرده که عکس آنچه مطلوب بوده، نتیجه داده است. مثلا تاکید می‌شود که بچه‌ها وظیفه دارند در هر شرایطی پدر و مادرشان را روی چشمانشان نگهداری کنند. در این موضوع هیچ تردیدی نیست ولی در عمل گاهی به‌خاطر اجتناب از قضاوت‌های منفی در اجتماع، سالمندان از نیازهای اساسی خود دور می‌مانند که کیفیت زندگی آنها را به‌شدت پایین می‌آورد. یکی از دوستان پزشکم تعریف می‌کرد که روزی مادری ۹۰ ساله را در خانه فرزندش در بستر بیماری (و حتی رو به فوت) ویزیت کرده است. پسرش به او گفته مادرش مدتی است به‌طور ناگهانی قدرت تکلم و کنترل ادرارش را از دست داده و در هنگام حرکت، جیغ می‌کشد. دوستم می‌گفت در معاینات اولیه متوجه شدم فرزندان سالمند، از یک هفته قبل، در هنگام حرکت‌دادن جسم نحیف او، دستش را از محل کتف از جا درآورده‌اند! درواقع درد و شوک شدید ناشی از همین مسئله موجب آن آسیب‌های سخت بعدی شده است. از نظر پزشکی بهداشت، تغذیه، درمان، مراقبت، تحرک و امنیت خاطر درباره رسیدگی‌های به‌موقع از مهم‌ترین نیازهای سالمندان است. در کنار آنها مسئله احساسات و خانواده هم مطرح است ولی نیازهای اساسی همواره در اولویت قرار می‌گیرد. برای اجتناب از آسیب‌های ناروا باید با نیازهای سالمند برخورد درست داشت. گاهی باید نکاتی را آموخت، گاهی باید مشورت گرفت، گاهی باید سبک زندگی را تغییر داد و گاهی هم باید برای مراعات حال سالمند، ملاحظات بیشتری را در نظر گرفت. مثلا نگهداری سالمندی که دوران نقاهت پس از جراحی‌اش را می‌گذراند، واقعا نیاز به تجربه و دانش کافی دارد وگرنه در صورت نگهداری نادرست، احتمال صدمات جبران‌ناپذیر به سالمند زیاد است. یا سالمندی که به هر دلیلی کاملا تنهاست ولی نیاز به مراقبت کامل دارد، نگهداری او در خانه به‌تنهایی درست نیست. حال اگر به‌خاطر نگاه‌های دوست و آشنا و فامیل، فرزندان از کار مقتضی اجتناب کنند، اولین کسی که در این مسیر بیش از همه آسیب می‌بیند، سالمند عزیز آنهاست. البته رسانه‌ها هم در ترویج بخشی از این برساخته‌های نادرست اجتماعی، بی‌تأثیر نبوده و نیستند. رسانه باید بازتاب نیازهای اجتماعی باشد و نه ایجاد موانع بیشتر در بهبود کیفیت زندگی. پاره‌ای از برساخته‌های اجتماعی نیاز به تغییر دارد و زود قضاوت‌نکردن در رأس آنهاست.

